

Research Paper

Jurisprudential-Legal Analysis of the Wife Becoming Mahdūr al-Damm Due to Adultery with a Stranger and the Loss of 'Iḥṣān

Alireza Bavi¹ , mohammadreza qafeli² 

1- Department of Law, Azad Branch, Islamic Azad University, Azad, Iran.

2- Master of Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Receive:

04 February 2025

Revise:

03 March 2025

Accept:

15 March 2025

Published online:

20 March 2025




Abstract

The protection of human life and the sanctity of blood are foundational principles in Islamic law. Islam strictly prohibits unlawful aggression against individuals residing in Islamic territories (Dār al-Islām). However, under certain conditions, specific actions by Muslims or residents of these lands may lead to the loss of personal inviolability (‘iṣmah), rendering their blood unprotected. Islamic jurisprudence has extensively detailed such circumstances. The permissibility of shedding blood in these rare cases may apply either generally to all Muslims, or in limited contexts, to specific individuals. This concept is closely tied to legal debates concerning the scope and conditions of being deemed Mahdūr al-Damm. Shiite jurists unanimously agree that individuals who insult the Prophet or the infallible Imams are considered Mahdūr al-Damm (One Whose Blood Is Not Legally Protected) absolutely, regardless of interpretations regarding whether killing them is obligatory or merely permitted. In contrast, when a man encounters his wife in the act of adultery with a stranger (Zinā with an Ajnabī — meaning an illicit sexual act with a non-mahram man), jurists allow the husband or a defender to commit homicide under specific circumstances. This is a case of relative Mahdūr al-Damm where the permissibility applies only to designated individuals. However, regarding the woman involved—if she meets the conditions of Iḥṣān (Legal Marital Protection, which includes being an adult, sane, free, and having had lawful sexual relations within marriage)—there is no definitive legal evidence to classify her as Mahdūr al-Damm. The only exception, based on select narrations (if accepted in both authenticity and legal relevance), may allow exemption from qiṣās (retaliation punishment) for a man who kills someone found in adultery with his wife—provided he presents four reliable eyewitnesses to the act. If such witnesses are not presented, the killer becomes liable under qiṣās. Among Sunni jurists, there is no cohesive or well-supported legal position that permits the killing of the adulterous woman (Muḥṣanah - Legally Married Woman with Protective Status) and her partner during the act of adultery.

Keywords:

Iḥṣān, Mahdūr al-Damm, Wife, Stranger, Muḥṣanah

Please cite this article as (APA): Bavi.A, Qafeli.M. (2025). Jurisprudential-Legal Analysis of the Wife Becoming Mahdūr al-Damm Due to Adultery with a Stranger and the Loss of 'Iḥṣān. *Journal of Business law and economics*, (1) 2, 407-422.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications	10.22034/jble.2025.534835.1022	
Corresponding Author: Alireza Bavi	https://orcid.org/0000-0003-0505-9063	
Email: A.Bavi@iau.ac.ir	This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License . 	



مقاله پژوهشی

بررسی فقهی حقوقی مهدورالدم شدن زوجه در نتیجه زنا با اجنبی و خروج از احسان

علیرضا باوی^۱، محمدرضا غافلی^۲

۱- عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

چکیده

حمایت اسلام از حیت اشخاص و احترام خون آنها در جامعه اسلامی یک اصل است و اسلام اجازه تعدی به حیات اشخاصی را که در دارالاسلام سکونت دارند، نداده است اما بعضی اعمال و رفتارها توسط مسلمانان یا افرادی که در سرزمین های اسلامی سکونت دارند، موجب زوال عصمت و حرمت خون آنها می شود و ریختن خون آنها را مباح می گرداند. این رفتارها به صورت دقیق و مبسوط در اسلام بیان شده اند و مباح شدن خون اشخاص بر اثر ارتکاب این اعمال یا جرایم در اوضاع و احوالی خاص و در موارد بسیار محدود، نسبت به همه مسلمانان و در مواردی، نسبت به اشخاص خاصی است، مرتکبان این اعمال یا جرایم در فقه اسلام به عنوان مهدورالدم مورد بحث قرار گرفته اند. درخصوص موارد اباحه قتل و اشخاص مهدورالدم و مطلق و نسبی بودن آن، درکلمات فقها اختلافاتی به چشم می خورد. به اتفاق فقهای شیعه، فحش دهنده به پیامبر و ائمه اطهار(ع)، مهدورالدم مطلق است و در عین اختلاف در تعبیر فقها از لحاظ جواز قتل ساب النبی و وجوب قتل او، مهدورالدم بودن ساب النبی نسبت به هرکس که بشنود، مورد اتفاق است. درخصوص مهاجم و مردی که همسرش را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند، اتفاق بر جواز قتل فقط برای مدافع و شوهر وجود دارد. (مهدورالدم نسبی) ولی در مورد زوجه محصنه دلیل معتبری دال بر مهدورالدم بودن وی وجود ندارد تنها چیزی که در صورت قبول سند و دلالت روایات قابل طرح است، عدم اجرای قصاص نسبت به قاتلی است که مردی را در حال زنا با همسر خویش مشاهده کرده و او را به قتل رسانده است. مشروط بر این که چهار شاهد عادل که همانند او زنای اجنبی با زوجه قاتل را مشاهده کرده اند، به دادگاه معرفی کند و الا در این صورت قاتل هم قصاص خواهد شد. اهل سنت نیز در خصوص جواز قتل زن و اجنبی در حال زنا نظر مستند و مستدلی ندارند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰

کلید واژه‌ها:

احسان، مهدورالدم، زوجه، اجنبی، محصنه.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): باوی، علیرضا؛ غافلی، محمدرضا. (۱۴۰۳). بررسی فقهی حقوقی مهدورالدم شدن زوجه در نتیجه زنا با اجنبی و خروج از احسان، دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد، ۲(۱)، ۴۰۷-۴۲۲.

	10.22034/jble.2025.534835.1022	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی ساموس
	https://orcid.org/0000-0003-0505-9063	نویسنده مسئول: علیرضا باوی
	https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa این مقاله تحت شرایط قابل باز نشر است.	ایمیل: A.Bavi@iau.ac.ir



مقدمه

قتل نفس و سلب حیات از انسان از مهم ترین جرایم علیه اشخاص است و در همه جوامع با واکنش شدید و در نظر گرفتن مجازات های سخت برای قاتلان همراه است. در نظام حقوقی اسلام مجازات قتل در صورتی که عمدی و عدوانی باشد، قصاص است و از این مجازات در قرآن کریم به عنوان منشا حیات جامعه یاد شده است. حمایت اسلام از حیات اشخاص و احترام خون آنها در جامعه اسلامی یک اصل است و اسلام اجازه تعدی به حیات اشخاصی را که در دارالاسلام سکونت دارند، نداده است اما بعضی اعمال و رفتارها توسط مسلمانان یا افرادی که در سرزمین های اسلامی سکونت دارند، موجب زوال عصمت و حرمت خون آنها می شود و ریختن خون آنها را مباح می گرداند. این رفتارها به صورت دقیق و مبسوط در اسلام بیان شده اند و مباح شدن خون اشخاص بر اثر ارتکاب این اعمال یا جرایم در اوضاع و احوالی خاص و در موارد بسیار محدود، نسبت به همه مسلمانان و در مواردی، نسبت به اشخاص خاصی است.

مرتکبان این اعمال یا جرایم در فقه اسلام به عنوان مهدور الدم مورد بحث قرار گرفته اند و در قانون مجازات اسلامی ایران (ق.م.ا.) که براساس فقه شیعه تدوین شده، قتل مهدور الدم، عامل موجه جرم تلقی شده و براساس ماده ۲۲۶ ق.م.ا. قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعا مستحق کشتن نباشد و طبق تبصره دو ماده ۲۹۵ ق.م.ا. اگر شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا مهدور الدم بودن بکشد و بعدا معلوم گردد مجنی علیه مورد قصاص یا مهدور الدم نبوده، قتل به منزله خطای شبیه عمد است.

در منابع فقهی، یکی از شرایط قصاص، محقون الدم بودن مقتول ذکر شده و فقها در این بحث بعضی مصادیق مهدور الدم را ذکر کرده اند. قتل با اعتقاد به مهدور الدم بودن مجنی علیه معمولاً در کتاب دیات و در بیان اقسام قتل مطرح گردیده است.

۲- دیدگاه فقهای شیعه

دیدگاه مشهور فقهای شیعه این است که چنانچه کسی همسر خویش را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند و علم به مطاوعه و رضایت زن داشته باشد، مجاز به قتل زوجه و زانی اجنبی است. لیکن بعضی از فقها از جمله شیخ طوسی و ابن ادریس علاوه بر قید رضایت و مطاوعه زن، احسان زن و مرد زانی را هم لازم دانسته اند؛ و بعضی دیگر قائل به عدم جواز قتل هستند و اینک تفصیل اقوال علماء:

۲-۱- مشهور

۱- محقق حلی در کتاب معتبر و معروف فقهی «شرایع الإسلام» در مسئله هفتم از مسائل دهگانه ملحق به باب زنا، حکم مزبور را با این عبارت بیان کرده است: «السابعه إذا وجد مع زوجته رجلا یزنی بها فله قتلها و لا إثم علیه و فی الظاهر علیه القود إلا أن یأتی علی دعواه ببینه أو یردقه الولی؛ (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۱۴۶) هرگاه شخصی، مردی را در حال زنا با همسر خود ببیند می تواند هر دو را به قتل برساند و گناهی بر او نیست؛



ولی از لحاظ حکم ظاهری باید قصاص شود مگر اینکه بر ادعای خود (مشاهده زنا) بینة داشته باشد یا ولی دم حرف او را تصدیق کند».

۲- شهید اول در کتاب دروس می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ رَأَى زَوْجَتَهُ تَزْنِي بِهَا فَلَهُ قَتْلُهُمَا، (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۴۸) و در کتاب لمعه می‌فرماید: «وَلَوْ وَجَدَ زَوْجَتَهُ مَعَ رَجُلًا يَزْنِي بِهَا فَقَلَهُ تَلُّهُمَا وَإِثْمٌ لَأُولَى كَنْ يُجِبُ الْقَوْدَ إِذَا لَمَعَ الْبَيْنَةُ أَوْ التَّصْدِيقَ (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۵۶)

۳- شهید ثانی در کتاب شرح لمعه، می‌فرماید: «و لو وجد مع زوجته رجلا يزني بها فله قتلها فيما بينه وبين الله تعالى و لا إثم عليه بذلك. (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۹، ۱۲۱)

۴- فاضل هندی در کشف اللثام، می‌فرماید: «و لو وجد مع زوجته رجلاً يزني بها و علم بمطاوعتها له فله قتلها و لا إثم قطع به الشيخ و جماعه و قيده الشيخ و ابن إدريس بإحصانها». (فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ۴۷۸)

۵- امام خمینی قدس سره در تحریر الوسیله مسأله ۲۸ می‌فرماید: «لو وجد مع زوجته رجلا يزني بها و علم بمطاوعتها له فله قتلها و لا إثم عليه و لا قود، من غير فرق بين كونها محصنين أو لا و كون الزوجه دائمه أو منقطعه و لا بين كونها مدخولا بها أو لا». (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ۴۹۲)

۶- محقق طباطبایی در این باره بیان می‌کند: «اختلفت في تقييد الحكم بعدم اثم الزوج في قتله الزاني بكونه محصنا كما عن الشيخ والحلي أو ابقائه على اطلاقه فيشمل غير المحصن كما هو ظاهر اكثر الفتاوى؛ (حائری، بی‌تا، ج ۲، ۵۱۷) در این مسئله اختلاف نظر وجود دارد که آیا زوج تنها در صورت احصان می‌تواند زانی را به قتل رساند و از این جهت گناهی مرتکب نشده است. چنان که از شیخ طوسی و علامه حلی چنین دیدگاهی نقل شده، البته ظاهر فتاوی اکثر فقها یا این بوده یا حکم را بر اطلاق خود باقی گذارده‌اند در نتیجه شامل غیر محصن هم می‌شود».

و مشهور علماء برای اثبات نظریه خود به روایاتی تمسک کرده‌اند که آنها را ذکر می‌کنیم: روایات مورد استناد مشهور

۱- شهید اول در کتاب دروس به روایات مرسلی به مضمون «روی انه لو وجد رجلاً يزني بامرأته فله قتلها» (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۴۸) استناد کرده است، یعنی اگر شخصی، مردی را در حال زنا با همسرش ببیند می‌تواند هردو را به قتل برساند.

این روایت، تنها روایتی است که منطوق آن بر حکم ماده مزبور دلالت دارد. با دقت نظر در کتابهایی که قبل از کتاب دروس شهید اول تحریر شده‌اند، معلوم می‌شود که چنین روایتی در هیچ‌یک از کتابهای فقهی نیامده است و فقهایی که بعد از شهید اول به نقل این روایت پرداخته‌اند، مأخذ روایت را کتاب مذکور قرار داده‌اند.

۲- روایت سعید بن مسیب بدین مضمون که مردی در شام بیگانه‌ای را با همسرش در حال زنا دید و اقدام به



قتل مرد و همسر خود کرد. سپس معاویه به ابوموسی اشعری نوشت که حکم موضوع را از علی (ع) بپرسد. حضرت در پاسخ فرمودند: چنانچه چهار شاهد بر تصدیق ادعای خود اقامه نکند، کشته می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۲۹، ج ۳۱، ۲۷)

۳-روایت فتح بن زید جرجانی از امام موسی کاظم (ع) که نقل می‌کند: «به امام عرض کردم کسی به قصد دزدی یا فجور وارد خانه دیگری می‌شود و صاحب‌خانه او را به قتل می‌رساند، آیا قاتل مجازات می‌شود یا نه؟ امام (ع) فرمودند: بدان هر کس بدون رضایت صاحب‌خانه وارد خانه دیگری شود، خون او هدر است و بر قاتل او چیزی واجب نیست». (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ۳۷۰)

۴-روایت منقول از امام صادق که فرمودند: «هرکس خانه مردم را دید بزند و از روزنه به آنجا نگاه کند و اهل خانه او را بکشند یا چشم او را کور کنند، مسؤولیتی ندارند». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ۶۸)

۲-۲- غیرمشهور

در مقابل نظر مشهور علماء دو نظر متفاوت نیز وجود دارد.

۲-۲-۱- جواز

عده‌ای از علماء جواز قتل را مشروط به احسان زانی می‌دانند.

۱- شیخ طوسی در «مبسوط» در کتاب «الدفع عن النفس» و در واقع به دنبال فروع مربوط به دفاع مشروع، این مسئله را مطرح کرده و می‌گوید: «إذا وجد الرجل مع امرأته رجلا یفجر بها و هما محصنان کان له قتلها». (طوسی، ۱۳۷۸، ج ۸، ۷۷)

هرگاه شخصی مردی را در حال زنا با زن خود دید، درحالی که هر دو محصن بودند می‌تواند آن دو را به قتل برساند.

۲-ابن ادریس در السرائر می‌نویسد: «إذا وجد الرجل مع امرأته رجلا یفجر بها و هما محصنان، کان له قتلها». (حلی، ۱۴۱۰، ۴۴۶)

۲-۲-۲- عدم جواز

اما بعضی از فقهای معاصر، قول مشهور را نپذیرفته و ادله آن را رد کرده‌اند. از جمله آیه‌الله خویی در «مبانی تکمله المنهاج» در این رابطه می‌فرماید: «المشهور علی أنّ من رأى زوجته یزنی بها رجل و هی مطاوعه، جاز له قتلها و هو لا یخلو عن إشکال، بل منع؛ (خویی، ۱۴۱۸، ج ۴۲، ۱۰۳) قول مشهور این است که چنانچه کسی شخصی را با زوجه‌اش در حال زنا مشاهده کند و زن هم با او همکاری داشته باشد، می‌تواند هر دو را بکشد و این قول مشهور خالی از اشکال نیست؛ بلکه قابل منع است».

وی در رد ادله مشهور، بعضی از احادیث منقول در این باب را نقل می‌کند سپس به رد و نقد آنها می‌پردازد:



۱- روایت سعید بن مسیب، معاویه نامه‌ای به ابوموسی اشعری نوشت که ابن ابی جسرین مردی را با زنش دیده و او را کشته است. در این مورد برای من از حضرت علی (ع) سؤال کن. ابوموسی می‌گوید: با حضرت علی (ع) ملاقات کردم و از حضرت سؤال کردم ... حضرت فرمود:

حکم من این است که اگر چهار شاهد برای آنچه دیده، آورد، کاری ندارم والا قاتل را می‌کشم.

۲- فتح بن یزید جرجانی از حضرت علی (ع) در خصوص مردی که به منزل دیگری برای دزدی یا فجور وارد شده و صاحب‌منزل او را کشته است پرسیدم که آیا قاتل قابل قصاص است؟ حضرت فرمود:

بدان، کسی که داخل منزل غیر شود، خونش هدر است و بر قاتل چیزی نیست

۳- در صحیح‌ه حلبی، امام صادق (ع) فرمود:

چنانچه کسی حرمت منزل کسی را رعایت نکرده و به نوامیس صاحب‌خانه نگاه کند و چشم متجاوز را کور کند یا او را مجروح کنند، بر آنها دیه‌ای نیست و تعدی‌کننده‌ای که با او مقابله به‌مثل شده، حق قصاص ندارد.

(حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ۶۸)

آیه‌الله خویی در رد قول مشهور می‌فرماید:

حدیث دوم (جرجانی) از جهت سند به دلیل وجود تعدادی راوی مجهول، قابل‌قبول نیست و از نظر دلالت، موضوع روایت درجایی است که کسی برای دزدی یا انجام جرائم دیگر، حرمت منزل دیگری را هتک کرده و جواز قتل در این موارد از باب دفاع است و بحثی از جرم زنا نیست و بحثی از این‌که صاحب‌خانه و قاتل، زوج باشد و ارتکاب فجور نسبت به زوجه یا سایر محارم یا غیر محارم باشد، مطرح نیست و جواز قتل در مقام دفاع موردقبول است؛ بنابراین، روایت مذکور به فرض صحت، از محل بحث خارج است.

روایت سوم (صحیح‌ه حلبی) هم هرچند از نظر سند مشکلی ندارد، اما ارتباطی به بحث ما ندارد؛ چون این حدیث نیز به موضوع دفاع از عرض و ناموس پرداخته که موردقبول ما است و در این حدیث هم سخنی از جواز قتل و مشاهده زنای اجنبی با زن توسط زوج، مطرح نشده است.

حدیث اول (روایت سعدبن مسیب) که دلالت بر قول مشهور دارد به جهات مختلف از نظر سند قابل‌قبول نیست. ضمن این‌که در این حدیث فقط سخن از کشتن زانی اجنبی است و مجوزی جهت قتل زن نمی‌تواند قرار گیرد. علاوه بر این در مقابل این سه حدیث که از نظر سند و دلالت نمی‌توانند قول مشهور را توجیه کنند، از صحیح‌ه داود بن فرقد عدم جواز قتل در محل بحث، قابل‌استفاده است.

داود بن فرقد می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که اصحاب رسول خدا (ص) به سعدبن عباده گفتند: اگر روی سینه همسرت مردی را ببینی چه می‌کنی؟ سعد گفت: او را با شمشیر می‌زنم. امام صادق (ع) می‌فرماید: در این هنگام رسول خدا فرمود: چه شده سعد؟ سعد بن عباده سؤال اصحاب و جواب خود را تکرار کرد. حضرت رسول (ص) فرمود: چهار شاهد را چه می‌کنی؟ سعد گفت: بعد از این که خودم دیدم و خداوند می‌داند که او (متجاوز)



مرتکب زنا شده، بازهم باید چهار شاهد بیاورم؟ حضرت فرمود: بله خداوند متعال برای هر چیزی حدی قرار داده و برای کسی هم که از آن حد تجاوز کند، حدی قرار داده است. (همان، ۱۴)

این حدیث صحیح، دلالت صریح دارد که چنانچه کسی شخصی را در حال زنا با همسرش مشاهده کند، نمی‌تواند او را بکشد؛ مگر این‌که چهار شاهد با خصوصیات مذکور در شرع، به وقوع زنا شهادت دهند. در آن صورت مجوز قتل به جهت شهادت شهود بر زنا خواهد بود و معمولاً شهادت شهود نزد حاکم است. پس مقصود اقامه شهادت نزد حاکم و اجرای حد از ناحیه حاکم است نه این‌که شخص مرتکب قتل شود و بعد شهود را نزد حاکم ببرد. ضمن این‌که به فرض ما از دلایل مشهور، جواز قتل قبل از اقامه شهادت را استفاده کنیم، آنچه در این احادیث مدنظر ائمه اطهار (ع) قرار گرفته، قتل زانی متجاوز است و از هیچ‌کدام جواز قتل زوجه استفاده نمی‌شود. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۴۲، ۱۰۴)

در ادامه این بحث، آیه‌الله خویی حدیث مرسله‌ای از شهید اول نقل می‌کنند: «إن من رأى زوجته تزنی فله قتلها» و می‌فرماید: این حدیث در کلمات علمای متقدم بر شهید اول نیست و نمی‌توان گفت مشهور به این حدیث عمل کرده‌اند تا عمل مشهور، جبران کننده ضعف سند حدیث باشد.

با توجه به عمومات منع اجرای حدود با وجود شبهات و حرمت خون مسلم، نمی‌توان با استناد به این مرسله، قتل زوجه در حال زنا را به‌طور مطلق مباح دانست. ضمن این‌که خود شهید اول در کتاب دروس از این حدیث استفاده جواز قتل در همه موارد نکرده است؛ چراکه می‌فرماید: «تفاوتی میان تازیانه و رجم نیست.» منظور ایشان این است که به‌طور استثنا، زوج حق اجرای حد دارد؛ خواه تازیانه باشد یا سنگسار و مستند آن، حدیث مذکور است لذا با توجه به مرسله بودن حدیث و عدم استناد به آن از طرف فقهای متقدم بر شهید اول و عدم استفاده اطلاق جواز قتل از ناحیه خود شهید اول، نمی‌توان حکمی خلاف اصل و احتیاط یعنی، جواز قتل زوجه را به این حدیث مستند نمود.

نکته دیگر که مورد توجه بعضی از فقهای معاصر قرار گرفته است تفاوت میان حکم تکلیفی و وضعی است؛ یعنی، این‌که آیا از روایات مورد استناد مشهور، استفاده می‌شود که زوج مجاز به قتل زوجه و زانی اجنبی است یا اینکه اجرای حدود از وظایف حاکم است؟ یا این‌که روایات در صدد بیان حکم وضعی هستند که چنانچه مردی همسرش را در حال زنا با اجنبی مشاهده کرد و یکی یا هردو را کشت و چهار شاهد آورد، قصاص نمی‌شود.

با دقت در احادیث باب به‌خوبی مشخص است که مقصود و مراد ائمه اطهار (ع) جواز قتل به‌صورت مطلق نیست؛ بلکه مستفاد از صحیح حلی، روایت فتح بن یزید جرجانی و روایت سعید بن مسیب - که عمده احادیث مورد استناد مشهور هستند - این است که ائمه اطهار (ع) حکم وضعی را بیان کرده‌اند و فرموده‌اند: چنانچه در عالم واقع، اتفاق افتاد که کسی زوجه‌اش را در حال زنا مشاهده کرد و زانی متجاوز را کشت، قصاص نمی‌شود مشروط بر این‌که چهار شاهد بیاورد که همانند خودش این صحنه را مشاهده کرده باشند. در عالم واقع با توجه



به این که اقدام به قتل در این موارد به سبب تحریک غیرت و احساسات مرد اتفاق می افتد، به ندرت می توان موردی را یافت که مرد بتواند چهار شاهد عادل جهت مشاهده عمل منافی عفت حاضر کند و بعد اقدام به قتل کند؛ مگر این که با تصمیم قبلی و مهیا کردن مقدمات، مرد را به منزل خود دعوت کرده باشد و از طرف دیگر چهار شاهد حاضر کند و بعد اقدام به قتل کند. روایات باب، در مقام جایز دانستن چنین قتلی نیستند و با توجه به مفاد صحیحه داود بن فرقد، حضرت رسول (ص) سعد بن عباده را از اقدام به چنین قتلی منع می کند و حضرت در مقام بیان حکم تکلیفی است و به سعد بن عباده تفهیم می کند که باید چهار شاهد عادل، شهادت دهند و واضح است که اقامه شهادت باید در دادگاه و نزد حاکم باشد.

پس در این مورد که موضوع، اقدام به قتل است، حضرت رسول (ص) سعد بن عباده را از اقدام به قتل نهی می کند و در سایر موارد که کسی اقدام به قتل اجنبی در حال زنا با همسرش نموده و پرونده های تشکیل شده، ائمه اطهار (ع) فرموده اند: در صورتی که زوج چهار شاهد اقامه کند، قصاص نمی شود و این با جواز قتل و مهدورالدم بودن زوجه و زانی اجنبی نسبت به زوج تفاوت دارد؛ مثلاً، این که می گوییم: اگر مسلمانی اهل ذمه را بکشد یا پدری فرزند خود را بکشد، قصاص نمی شود، دلیلی بر مهدورالدم بودن مقتولان نسبت به قاتل وجود ندارد. ضمن این که در هیچ کدام از روایات مذکور، جواز قتل زوجه و معافیت از قصاص در صورت شهادت شهود، استفاده نمی شود.

نتیجه این که جواز قتل زن حتی در صورت علم به مطاوعه، هیچ گونه دلیل معتبری ندارد و از روایات جواز قتل اجنبی در صورت مشاهده زنا با همسر هم حکمی تکلیفی به معنای مهدورالدم بودن زانی، قابل استفاده نیست. تنها چیزی که در صورت قبول سند و دلالت روایات قابل طرح است، عدم اجرای قصاص نسبت به قاتلی است که مردی را در حال زنا با همسر خویش مشاهده کرده و او را به قتل رسانده است. مشروط بر این که چهار شاهد عادل که همانند او زانی اجنبی با زوجه قاتل را مشاهده کرده اند، به دادگاه معرفی کند و الا در این صورت قاتل هم قصاص خواهد شد.

۳- دیدگاه فقهاء اهل سنت

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه در این رابطه آمده است:

جمهور اهل سنت در مسئله قتل زوجه و اجنبی معتقدند قتل زانی جایز نیست و به حدیثی استناد می کنند که سعد بن عباده از حضرت رسول (ص) سؤال کرد: ای رسول خدا! اگر مردی را با همسرم دیدم آیا مهلت بدهم تا علیه او با چهار شاهد اقامه شهادت کنم؟ حضرت فرمود: بلی. روی البخاری اُبی هریره: إن سعد بن عباده قال: یا رسول الله! رأیت إن وجدت مع امرأتی رجلاً أمهله حتی آتی بأربعة شهداء؟ فقال رسول الله (ص): نعم. (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۵، ۹۴)

نویسنده مذکور در توضیح این قول می نویسد:



زیرا ممکن است مردی، دیگری را به منزل خویش جهت امری دعوت نماید و به جهت کینه و انتقام، او را بکشد و بگوید: او را با همسرم مشاهده کردم و ممکن است کسی به جهت خلاص شدن از دست همسرش او را به قتل برساند و به دروغ ادعا کند که او را در حال زنا با اجنبی دیده است. (همان، ۵۱)

در عین حال از حنا بله و مالکیه نقل می‌کند که معتقدند چنانچه قاتل دو شاهد اقامه کند که به جهت ارتکاب زنا مرتکب قتل شده و مقتول محصن باشد، مجازات نمی‌شود.

شافعیه: اگر هردو یا یکی را بکشد قصاص می‌شود مگر اینکه ولی دم راضی به دیه شوند و یا عفو نمایند موضوع مورد اتفاق دیگر میان اهل سنت، این است که چنانچه کسی زانی غیر محصن را در حال زنا به قتل برساند، مجازات نمی‌شود و دلیل ایشان قضاوت عمر در مورد مردی است که با شمشیر خون آلود نزد او آمد و به دنبال او جمعیتی دیگر آمدند و گفتند: این مرد دوست ما را در کنار همسرش کشته است. عمر سؤال کرد: این‌ها چه می‌گویند؟ آن مرد گفت: با شمشیر میان دو پای همسرم زدم. اگر در آن محل کسی بوده او را کشته‌ام. عمر قضیه را از آن گروه پرسید. آنها گفته او را تأیید کردند. عمر رو به مرد کرد و گفت: اگر دوباره آمدند همین کار را تکرار کن و خون مقتول هدر را اعلام کرد.

عبدالقادر عوده، علت اباحه قتل را در این صورت به نقل از علمای اهل سنت دو امر می‌داند:

الف. تحریک: قائلین به تحریک در این‌که زن از خویشان مرد باشد یا اجنبی، تفاوت قائل شده و فقط در صورت اول قتل را جایز می‌دانند.

ب. نهی از منکر: در این صورت بر همه اشخاص واجب است و تفاوتی میان زنای با اهل یا اجنبی نیست. رأی مشهور در مذاهب سه‌گانه اهل سنت (غیر از شافعی) همین است؛ اما مذهب شافعی این است که قتل غیر محصن در حالت تلبس به زنا را جایز نمی‌دانند؛ مگر در صورتی که بازداشتن از ارتکاب جرم به غیر طریق قتل ممکن نباشد و تحریک را مجوز قتل ندانسته و دفع منکر را مجوز قتل نمی‌دانند مگر این‌که قتل تنها راه دفع منکر باشد. (عوده، بی تا ج ۱، ۵۴۰)

نتیجه این‌که اهل سنت در خصوص جواز قتل زن و اجنبی در حال زنا نظر مستند و مستدلی ندارند. تحریک و یا نهی از منکر از نظر قواعد و اصول مجوز قتل نبوده و شرایط و مقررات خاص خود را دارد؛ بنابراین، در کلمات فقهای اهل سنت مرد اجنبی و زوجه در صورت مشاهده در حال زنا، از مصادیق مهدورالدم نیستند و جواز قتل در حال زنا، به‌طور کلی در کلمات اهل سنت از باب تحریک (در خصوص زنای با خویشاوندان) و یا نهی از منکر (نسبت به همه افراد) مطرح است.

۴- اثبات موضوع از نظر فقهی

در بحث مرحله ثبوتی نظریه امام خمینی (ره) را بدین لحاظ که منبع وضع قانون بوده بررسی خواهیم کرد. ایشان در کتاب دفاع بعد از بیان شرایط ثبوتی موضوع می‌فرماید: «در موردی که ضرب و جرح و کشتن جایز



شمرده می‌شود، این جواز بینه و بین الله است و در واقع گناه و مسؤولیتی نزد خدا وجود ندارد؛ اما از نظر ظاهری، قاضی باید بر اساس ملاک باب قضا داوری کند. لذا اگر کسی دیگری را بکشد و مدعی شود که او را در بستر همسر خود دیده است، لکن بر اساس مقررات شرعی شاهی برای اثبات ادعای خود نیابرد محکوم به قصاص شود، چنانکه در اشتباه و نظایر آن نیز چنین عمل می‌شود». (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ۴۹۱) بر اساس نظر مذکور، صرف ادعای قاتل بر مهدورالدم بودن مقتول موجب عدم مسؤولیت وی نمی‌شود و در صورت ارائه ادله شرعی (چهار شاهد عادل مرد) قصاص می‌شود؛ بنابراین در موضوع مورد بحث، قاتل (شوهر) باید شرایط تحقق ماده ۶۳۰ را در مورد خاص اثبات کند تا از مجازات معاف گردد و الا قصاص می‌شود. سیستم مورد بحث برای اثبات زنا نیز با توجه به نظر فقها و کتاب اول بخش پنجم (مواد ۱۶۰ تا ۲۱۳) می‌باشد. البته سیستم دلایل قانونی است که در آن، حدود اعتبار هریک از دلایل و شرایط آنها را قانون تعیین می‌کند و قاضی مکلف به رعایت آنهاست ولو منجر به قناعت وجدان او نشود. البته سیستم مذکور در عمل با دشواری در اثبات مواجه است، زیرا در فرض مسئله متهم یا متهمان به زنا کشته شده‌اند و لذا اثبات موضوع از راه اقرار ایشان ممکن نیست و فقط می‌توان به شهادت یا علم قاضی تمسک کرد. تمسک به شهادت هم با توجه به مواد ۱۸۳ تا ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی ساده نیست، زیرا شهود باید حادثه را به نحو خاص رؤیت کرده باشند و ادعای آنها معارض یکدیگر نباشد که وقوع چنین فرضی بسیار دشوار و حصول علم قاضی هم بسیار بعید است و در هر حال اثبات استحقاق قتل موضوع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی «تعلیق به محال» است و به همین دلیل، امام (ره) و سایر فقها معتقدند در صورت عدم اثبات ادعای شوهر اگر واقعاً محق باشد بینه و بین الله مسؤولیت ندارد، اما به لحاظ دنیوی قصاص می‌شود و این امر با مأجور بودن او نزد خداوند منافاتی ندارد. نکته آخر اینکه ماده مذکور به شوهر حق چنین کاری را داده است نه اینکه او را مکلف کرده باشد و لذا او می‌تواند از اعمال حق خودداری کرده و برای مجازات خاطیان به محکمه مراجعه کند یا با توسل به لعان، همسر خود را طلاق دهد.

۵- دیدگاه حقوقی

در این بخش دیدگاه‌های حقوقدانان را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۵-۱- تاریخچه و سوابق

۵-۱-۱- قبل از انقلاب اسلامی

در ماده یک قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ به‌عنوان اولین قانون موضوعه کیفری ایران - آمده بود: مجازات‌های مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدلیه مجری خواهد بود و جرم‌هایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود، بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع، مجازات



می‌شوند.

بدین ترتیب قانونگذار ایران تحت تأثیر موقعیت آن روز و جهت جلب نظر و اعتماد علما و متشرعان، بدون اشاره به جرائم و مجازات‌های اسلامی و چگونگی تعقیب و محاکم صالح، جهت رسیدگی به این جرائم، در عمل عدم پایبندی خود به جرائم و مجازات‌های اسلامی را نشان داده و به خاطر عدم قدرت علما در اجرای مجازات‌های اسلامی، حدود و تعزیرات شرعی از جهت اجرایی متروک شدند. در ماده ۱۷۹ این قانون می‌گوید:

هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا درحالی که به‌منزله وجود در یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هردو شود، معاف از مجازات است.

درعین حال در تصویب این ماده هم‌توجهی به نظریات فقها نشده است و لذا در ادامه همین ماده می‌خوانیم: هرگاه کسی به طریق مزبور، دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم‌علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود، از یک ماه تا شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و ... زیرا فقها جواز قتل را صرفاً در خصوص زنا همسر گفته‌اند؛ نه سایر محارم. در خصوص همسر هم مشاهده در حال زنا، مجوز قتل است؛ نه وجود در یک فراش یا به‌منزله یک فراش.

با توجه به این که تصویب ماده یک قانون مجازات عمومی صرفاً جهت جلب رضایت علما و متدینان بود، با استقرار کامل دادگستری و فراهم شدن شرایط، قانونگذار در سال ۱۳۵۲ ماده یک قانون مجازات عمومی را به شرح ذیل اصلاح کرد: قانون مجازات راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می‌شود.

و نیز ماده ۲ همین قانون تصریح می‌کند: هر فعل یا ترک فعل که به‌موجب قانون قابل مجازات باشد، جرم است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه به‌موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد.

بنابراین به‌صورت کامل، راه بر اجرای حدود و تعزیرات اسلامی بسته شد و تنها موردی که در قانون مذکور با فقه تطابق داشت، قتل در مقام دفاع بود که آنهم بر اساس حقوق عرفی در قانون مجازات وارد شد.

بنابراین در قوانین مجازات ایران قبل از پیروزی انقلاب و خصوصاً بعد از اصلاحات سال ۱۳۵۲ بحثی از مجازات‌های اسلامی نیست و در عمل، کشتن شخص به‌عنوان مهدور الدم شرعی منتفی بود و جواز قتل زانی و زانیه در فراش، بر مبنای تحریک و برگرفته از حقوق عرفی بود.

۵-۱-۲- بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اسلامی شدن قوانین کیفری و حقوقی، قانونگذار در جهت اسلامی کردن قوانین بر اساس منابع فقهی و فتاوی امام خمینی، به وضع قانون حدود و قصاص و دیات و تعزیرات اقدام کرد و با توجه به تغییرات و تحولاتی که در



قوانین موضوعه بعد از انقلاب صورت گرفته است که یکی از آنها ماده ۱۷۹ است. ماده ۶۳۰ ق.م.ا. (قتل زوجه واجنبی در حال زنا) به‌رغم وجود ماده ۱۷۹ در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ قانونگذار در تصویب قانون حدود و قصاص و تعزیرات در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ و اصلاحات سال ۱۳۷۰ اشاره ای به جواز قتل زوجه در حال زنا توسط همسر ننموده است. ولی قانونگذار در تصویب قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۳۰ به شوهر اجازه داده است که در صورت مشاهده همسر خود در حال زنا در صورت علم به مطاوعت زوجه، زوجه واجنبی را به قتل برساند.

«هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند» (ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) قیود مذکور در ماده ۶۳۰ جواز را بسیار محدود و فقط به مورد مشاهده و در صورت علم به رضایت زن منحصر کرده است. (فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، ج ۲۲، ۱۴۶)

۵-۲- حکمت و علت حکم

در بیان علت حکم جواز قتل و معاف بودن شوهر از مجازات قتل همسر خود و مرد اجنبی، نظرهای متعددی توسط دانشمندان ارائه شده است که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

۵-۲-۱- تهییج و تحریک روحی

در کلمات هیچ‌یک از فقها، حداقل به‌طور صریح، عصبانیت و برانگیختگی شوهر، مجوز قتل یا عذر معاف بودن وی از مجازات شناخته نشده است.

بنابراین برخلاف توجیه حقوقدانان از ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی سابق مبنی بر اینکه مرد با مشاهده همسر خود در فراس مرد اجنبی، تحریک و برانگیخته می‌شود یا گرفتار چنان حالت روحی و عصبی می‌شود که احتمالاً کنترل اعصاب و اراده خود را برای لحظه‌ای از دست می‌دهد و در آن لحظه ممکن است دچار رفتار مجرمانه‌ای علیه همسر خود و مرد اجنبی شود و به دلیل نامشخص بودن رفتاری که از وی سر می‌زند و معلوم نبودن اینکه از روی اراده سالم و با تسلط بر قوای دماغی خود چنین کرده یا از روی اراده معیوب، مقنن در مورد او با اغماض نگریسته و وی را مستحق معافیت از مجازات جرم ارتكابی دانسته است، در مورد ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی که برگرفته از متون فقهی است نمی‌توان چنین توجیهی را پذیرفت، چراکه در کلام فقهای متقدم و متأخر، اشاره‌هایی به برانگیختگی و تهییج روحی شوهر با مشاهده صحنه زنا ارتكابی همسرش با بیگانه نشده است؛ بنابراین نمی‌توان حکم ماده اخیرالذکر را از جمله موارد تحریک با تهییج روحی قلمداد کرد.

۵-۲-۲- دفاع از عرض و ناموس

در مورد دفاع از عرض، این اتفاق نظر نزد فقها وجود دارد که چنانچه مردی اراده تجاوز به زنی کند و دفاع متوقف بر قتل مهاجم باشد واجب است که متجاوز منع شود و حتی به قتل برسد. بر همین اساس، عده‌ای از فقها، بحث حاضر یعنی



حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی را در باب دفاع از عرض و ناموس قرار داده‌اند. از جمله شیخ طوسی این بحث را در کتاب «الدفع عن النفس» آورده است. همچنین امام خمینی (ره) این مسئله را در آخر مبحث امر به معروف و نهی از منکر و در باب دفاع مطرح کرده است.

به هر حال اعتقاد به اینکه عمل ارتكابی شوهر در مقام دفاع از عرض و ناموس است، در همه حال یکسان نیست. درجایی که زن ممتنع از عمل زنا باشد و مرد اجنبی، با علف و اکراه، زن را مجبور به زنا کرده باشد و در آن حال شوهر مرتکب قتل شود، چنین قتلی با تعریف و ضوابط دفاع مشروع منطبق است، اما چنانچه زن خود به انجام یافتن عمل زنا تمایل داشته باشد و به مرد اجنبی تمکین کند، انطباق این حکم با بحث دفاع مشروع، دشوار به نظر می‌رسد، هر چند که برخی از حقوقدانان مفهوم دفاع مشروع را توسعه داده، موردی که زن در ارتکاب زنا رضایت داشته است را نیز از موارد دفاع مشروع و معافیت از مجازات می‌شمارند. از طرف دیگر، برخی در توجیه حکم مزبور، دفاع مشروع را به دفاع مشروع عام و خاص تقسیم می‌کنند و مورد دفاع مشروع خاص را جایی می‌دانند که مرد اجنبی علی‌رغم میل باطنی زن و با اکراه و علف در صدد انجام دادن زنا با وی برمی‌آید و چنانچه در همین مورد زن رضایت داشته باشد و شوهر اقدام به دفاع کند، آن را از مصادیق دفاع مشروع و صیانت از اخلاق و نظم و امنیت جامعه و دفاع منکر دانسته‌اند.

۵-۲-۳- اجرا و اقامه حدود الهی

جمعی از فقهای امامیه، حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی را در ملحقات احکام مربوط به حد زنا ذکر کرده‌اند که به نظر می‌رسد عمل شوهر را به‌عنوان اجرای حد و حکم الهی تلقی کرده، او را در این کار مجاز دانسته‌اند. البته علی‌الاصول حد پس از ثبوت آن نزد حاکم شرع، باید به‌وسیله او صورت پذیرد، ولی در این مورد اجرای این حکم به‌صورت استثنایی توسط شوهر، تجویز شده است.

از جمله، محقق حلی در کتاب شرایع در مسئله هفتم از مسائل دهگانه ملحق به باب زنا، این حکم را ذکر کرده است. شهید اول در کتاب دروس، این موضوع را در «کتاب الحسبه» و در بحث امر به معروف و نهی از منکر و اینکه چه کسانی مجاز به اقامه اجرای حد هستند، ذکر کرده است. به نظر ایشان، همانگونه که صاحب برده می‌تواند حد الهی را بر برده خود جاری کند، شوهر نیز می‌تواند همسر خود را به دلیل ارتکاب زنا با اجنبی به قتل برساند و این حد را اجرا کند.

شهید ثانی در شرح لمعه ضمن بیان حکم، هر چند اجرای حد در غیر این مورد را منوط به اذن حاکم می‌داند، جواز قتل زن، مرد اجنبی توسط شوهر را از جمله اقوال مشهور بین اصحاب دانسته است.

به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود، فقهای مذکور ضمن پذیرش این اصل که اقامه و اجرای حدود الهی از وظایف حاکم شرع است، به‌عنوان یک استثنا بر اصل در صدد توجیه حکم مذکور برآمده‌اند و شوهر را در اجرای حد زنا مجاز دانسته‌اند، اما علی‌رغم این استدلالات چنین استثنایی موجه به نظر نمی‌رسد و اصولاً نمی‌توان یکی از موارد مذکور را علت حکم قلمداد کرد، ثنوری عامل موجه استثنایی می‌تواند به‌عنوان مبنای حکم مورد پذیرش قرار گیرد، بدین معنا که حکم ماده مذکور از جمله مواردی است که مقنن در تطبیق شرایط لازم برای دفاع مشروع، استثنایی بر اصل قائل شده و حتی در صورت فقدان بعضی از شرایط لازم برای دفاع مشروع، نظیر شرط تناسب و ضرورت، آن را از مصادیق دفاع مشروع به شمار آورده و به‌عنوان یکی از موارد ممتاز دفاع مشروع قلمداد کرده است. آن توجیه نیز چندان با واقعیت منطبق نیست و به‌هر حال



به لحاظ عدم امکان تمیز واقعیت امر از آنچه اتفاق افتاده است می‌تواند مورد استفاده سوء قرار گیرد، لکن به لحاظ نظری از بقیه توجیه‌هایی که گفتیم به نظر مقنن نزدیک‌تر است. (حبیب زاده: ۸۳)

۵-۳- احکام قتل در فراش پیرامون ماده ۳۰۲ ق.م.ا جدید

ماده ۳۰۲ مقرر می‌دارد: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود: در بند «ث» این ماده آمده است «زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است».

از نکات اساسی که در بند «ث» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی به چشم می‌خورد این است که مرد فقط زانیان را در حال زنا می‌تواند به قتل برساند و به تعبیر دیگر شوهر برای اینکه بتواند از معافیت مندرج در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی بهره‌مند گردد بایستی به محض مشاهده همسر زانیه و مرد اجنبی در حال زنا، آنان را به قتل برساند. بنابراین اگر مردی زن خویش را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند ولی بنا به دلایلی نخواهد آنان را در همان حال به قتل برساند، ولی بعداً به قتل زانیان اقدام نماید نمی‌تواند از معافیت در ماده ۳۰۲ قانون مزبور بهره‌مند گردد، زیرا عبارت قانونگذار «در همان حال آنان را به قتل برساند» به این معنی است که قتل در هنگام مشاهده واقعه زنا برای مرد مباح است نه بعد از آن.

لازم به ذکر است که شوهری که مرد اجنبی و همسر زانیه را در حال زنا مشاهده می‌نماید و مرتکب قتل یکی یا هر دو از آنها می‌شود ملزم نیست که مقررات دفاع را رعایت نماید، زیرا که قانونگذار با اجتماع کلیه شرایط مندرج در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی قتل زانی و زانیه را برای شوهر تجویز کرده است. در مواردی که شوهر در موقعیت مزبور مرتکب قتل می‌شود ملزم به پرداخت دیه از بابت قتل ارتكابی نیز نمی‌باشد زیرا خون زانیان فاقد حرمت شرعی و قانونی بوده است.

قانونگذار در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی قتل مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا با زن شوهر دار و همچنین قتل زن در صورت تمکین به این عمل را توسط شوهر مجاز دانسته است. مجاز بودن ارتکاب قتل در این مورد توسط شوهر مشروط به اجتماع شرایطی است که مرحله ثبوتی واقعه است. شرایط مذکور به شرح زیر است:

۵-۳-۱- وجود علقه زوجیت

مقنن حکم این ماده را ناظر به موردی دانسته است که شخص شاهد ارتکاب زنا توسط همسر خود باشد، بنابراین اگر مردی شاهد زنا یا دیگری ولو خواهر، دختر یا مادر خود با مرد اجنبی باشد، مجاز به ارتکاب قتل و حتی ضرب و جرح نیست و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، حسب مورد مجازات خواهد شد؛ در حالی که ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی سابق، در مورد پدر و برادری که دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی در یک فراش مشاهده می‌کرد و مرتکب قتل آنها می‌شد معافیت نسبی از مجازات قائل بود که در حال حاضر این معافیت منتفی است. احراز وجود رابطه زوجیت با توجه به مقررات مندرج در کتاب هفتم قانون مدنی صوت می‌گیرد که در آن مورد با توجه به اطلاق کلام، منظور از نکاح، نکاح دائم و منقطع است. اگر چه بعضی از حقوقدانان این حکم را فقط ناظر به عقد دائم



می‌دانند. (حائری شاهباغ، ۱۳۵۳ ش: ۹۰) اما در اقوال و گفتار فقها تفاوتی بین دائم یا موقت بودن نکاح وجود ندارد. (نجفی، بی تا: ۳۶۸) حتی به نظر بعضی از حقوقدانان، طلاق رجعی رابطه زوجیت را قطع نمی‌کند و لذا اگر شوهر در مدت عده طلاق رجعی وضعیت مذکور را مشاهده کند و مرتکب قتل شود از معافیت مذکور استفاده می‌کند. (نجیب حسنی، ۱۹۹۲: ۳۹۴-۳۹۵)

۵-۳-۲- مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر

تأکید ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی بر مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر، دادگاه را مکلف به بررسی این ادعا می‌کند؛ یعنی باید آن‌ها در حال عمل زنا بوده باشند تا قتل انجام شده توسط شوهر مجاز شمرده شود. لذا دیدن فیلم و عکس از واقعه مورد بحث مجوز مشروعیت قتل نیست و رؤیت فیزیکی همسر ملاک است، نه دیگران. فقها نیز بر شرط اینکه مرد باید همسر خود را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند اتفاق نظر دارند. (خویی، بی تا: ۸۴/۲ و ۸۸) اما باید توجه داشت برای اینکه دادگاه اقدام قاتل را مباح بداند و بتواند شوهر را از مجازات معاف دارد، او باید بتواند وقوع عمل زنا را اثبات کند. لذا اگر انجام یافتن عمل زنا قطعی نباشد و براساس شبهه مرد باشد، ارتکاب قتل جایز نیست. اگر زن و مرد اجنبی دارای پوشش متعارف بوده، مشغول انجام اعمال دیگری غیر از زنا مانند مضاجعه و تقبیل و امثالهم باشند به دلیل عدم تحقق شرط (در حال زنا بودن) قتل آن‌ها مجاز نیست و مرتکب از مجازات معاف نخواهد بود و قصاص می‌شود.

در تعریف زنا دادگاه باید به ماده ۲۲۱: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد» توجه داشته باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۴۲) برای تحقق زنا و اثبات آن براساس ادله شرعی که مقنن نیز در قانون مجازات اسلامی به آن توجه کرده، شرایطی لازم است که در عمل اثبات آن تعلیق به محال یا لااقل بعید است و به این لحاظ در بسیاری از موارد احراز شرایط تحقق ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مشکل است.

۵-۳-۳- ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا

به موجب ماده مذکور شوهر صرفاً بلافاصله بعد از مشاهده صحنه جرم ارتكابی، حق کشتن دارد و چنانچه فی‌المجلس اقدام نکند، بعد از جدا شدن زن و مرد اجنبی از همچنین مجوزی برای او نیست. مفهوم این ماده دلالت بر این امر دارد که فقط زمانی مرد از قصاص معاف است که بلافاصله بعد از دیدن عمل زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی، اقدام به قتل کند و چنانچه بعد از اتمام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است مرتکب قتل شود، چنین قتلی جنبه انتقام دارد و مقنن ارتکاب چنین قتلی را ممنوع می‌داند؛ اگر چه ممکن است که بتوان چنین موردی را از مصادیق مهدور الدم بودن زن و مرد اجنبی دانست که البته اثبات آن هم محتاج دلیل است و قاتل باید استحقاق قتل آن دو را بر اساس موازین شرعی و قانونی در دادگاه ثابت کند. (زکی ابوعامر، بی تا: ۱۵)

۵-۳-۴- علم به تمکین

برای مجاز بودن مرد در قتل همسر خود علاوه بر شرایط بالا، او باید عالم به تمکین و رضایت زن به عمل زنا توسط مرد



اجنبی باشد. این شرط ناشی از آن است که در مباحث فقهی زنا، فقها وجود قصد و اراده را در مرد مفروض می‌دانند، لکن در مورد زن به احتمال وجود اکراه از طرف مرد نسبت به زن قائلند و لذا در این فرض نیز قائل به لزوم یقین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز بودن قتل او شده‌اند. احراز این شرط در عالم اثبات دشوار است و برای جلوگیری از معاف بودن قتل‌هایی که به صرف ظن و گمان واقع می‌شوند از مجازات بسیار مهم است. در صورت یقین شوهر به مکره بودن زن خود، شوهر فقط حق کشتن مرد بیگانه را دارد.

۴-۵- قتل زانی و زانیه توسط شوهر زانیه از دیدگاه حقوق موضوعه با محوریت نقد

قانونگذار ایران علی‌رغم طرح موضوع در قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب و فتوای صریح حضرت امام خمینی قدس سره مبنی بر جواز قتل زانی و زوجه از ناحیه زوج در صورت مشاهده در حال زنا (موسوی خمینی، ۱۴۰۴: ۸۳)، در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ ذکری از جواز قتل در فراش به میان نیاورد اما در عمل با توجه به فتوای حضرت امام و با رعایت اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قضات در اینگونه قتل‌ها فتوای حضرت امام را ملاک عمل قرار می‌دادند و در استدلالی که از اداره حقوقی قوه قضاییه شده است ضمن اعلام منسوخ بودن ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق می‌گوید: طبق موازین شرعی و فتوای حضرت امام رحمه الله اگر کسی ببیند مرد اجنبی با زن وی زنا می‌کند و بتواند زنا را از راه اقامه چهار شاهد عادل یا تصدیق اولیای دم و یا علم قاضی اثبات نماید، چنانچه مرتکب قتل یکی از آن‌ها یا هر دو شود، قصاص نمی‌شود و مکلف به پرداخت دیه هم نیست. (کرمی، ۱۳۷۷: ۲۱۷).

با توجه به این رویه، قانون گذار در تصویب قانون تعزیرات، مجدداً جواز قتل در فراش را در ماده ۶۳۰ و پس از آن در بند «ث» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل تصویب نموده است: این ماده از جهت فقهی و حقوقی قابل ایراد است. از نظر فقهی همان‌گونه که ذکر شد نهایت چیزی که از روایات استفاده می‌شود، عدم قصاص زوج در صورت کشتن زانی متجاوز است که در فراش او وارد شده و اقامه دلیل برای جواز قتل به عنوان حکمی تکلیفی مشکل است و در خصوص قتل زوجه هیچ‌گونه مستند فقهی معتبری نداریم و حدیث مرسله مذکور در کتاب دروس شهید اول گذشته از ضعف سند توسط خود شهید هم به صورت مطلق مورد استناد قرار نگرفته است و از طرف دیگر اصولاً مساله جواز قتل در فراش در کتب قدمای اصحاب - که به عهد معصومین (علیه السلام) نزدیک‌ترند - وجود ندارد. اولین کسی که این موضوع را مطرح کرده شیخ طوسی در کتاب مبسوط است و ایشان برای جواز قتل، احصان زانی اجنبی و زوجه را لازم دانسته و ذکر جواز قتل به صورت مطلق در کتب فقهای متأخر، نمی‌تواند مستند محکمی جهت بیان حکمی خلاف اصل و احتیاط باشد. از نظر حقوقی نیز عبارت ماده به گونه‌ای تنظیم شده که جرم زانی بوده و امنیت قضایی را سلب و نوعی آدم کشی در لوای قانون و بدون امکان دفاع برای متهمین را ترغیب و تشویق می‌کند. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۳۸) ماده ۳۰۲ ق.م.ا می‌تواند مورد سوء استفاده قاتلین حرفه‌ای قرار گیرد و قتل‌هایی که با انگیزه‌های انتقام جویانه انجام شده، تحت عنوان قتل در فراش مطرح گردد. به طور مثال در مواردی شوهر با سبق تصمیم و با تهیه مقدمات، فردی را که مظنون به داشتن رابطه نامشروع با همسرش بوده به منزل دعوت و اقدام به قتل نموده و در موردی دیگری شخصی را در جای دیگر به قتل رسانده و بعد او را به اتاق خواب خودش منتقل نموده و همسرش را هم به اقرار به زنا مجبور نموده است و در این



موارد در صورت عدم کشف واقعیت، چنانچه نتواند زنا را هم با چهار شاهد اثبات کند، می‌تواند با استناد ماده ۳۰۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با مطرح کردن اعتقاد به مهدور الدم بودن مقتول، از مجازات قصاص رهایی یابد. در حالی که قانون باید به گونه‌ای تنظیم شود که جرم زایی نداشته و امکان تقلب نسبت به آن وجود نداشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود چنانچه قانون گذار وجود این ماده را در قوانین کیفری ضروری می‌بیند. اقدام به قتل در این موارد از ناحیه زوج را، عذری مخفف قرار داده و با اصلاح عبارت ماده، راه را بر استفاده جواز قتل به عنوان حکمی تکلیفی مسدود نموده جواز قتل را مختص به زانی قرار دهد، آن هم در صورتی که زنا توسط ادله ی معتبر شرعی و قانونی ثابت شود. (کلانتری، ۱۳۹۵)

آنچه در این پژوهش شرح و تحلیل گردید، این است که قانونگذار علی‌رغم انتقادات فراوانی که پیرامون وضع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات توسط حقوقدانان صورت گرفته است، مجدداً بند «ث» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را در همان ماهیت با اندک تغییرات جزئی آورده است و همچنان راه را برای انتقام‌ها و کینه‌های خصوصی عدالت کیفری خصوصی باز گذاشته است.

۶- نتیجه گیری

از نظر فقهای شیعه جواز قتل زن حتی در صورت علم به مطاوعه، هیچ‌گونه دلیل معتبری ندارد و از روایات جواز قتل اجنبی در صورت مشاهده زنا با همسر هم حکمی تکلیفی به معنای مهدورالدم بودن زانی، قابل استفاده نیست. تنها چیزی که در صورت قبول سند و دلالت روایات قابل طرح است، عدم اجرای قصاص نسبت به قاتلی است که مردی را در حال زنا با همسر خویش مشاهده کرده و او را به قتل رسانده است. مشروط بر این که چهار شاهد عادل که همانند او زنا ی اجنبی با زوجه قاتل را مشاهده کرده‌اند، به دادگاه معرفی کند و الا در این صورت قاتل هم قصاص خواهد شد.

اهل سنت در خصوص جواز قتل زن و اجنبی در حال زنا نظر مستند و مستدلی ندارند. تحریک و یا نهی از منکر از نظر قواعد و اصول مجوز قتل نبوده و شرایط و مقررات خاص خود را دارد؛ بنابراین، در کلمات فقهای اهل سنت مرد اجنبی و زوجه در صورت مشاهده در حال زنا، از مصادیق مهدورالدم نیستند و جواز قتل در حال زنا، به‌طور کلی در کلمات اهل سنت از باب تحریک (در خصوص زنا ی با خویشاوندان) و یا نهی از منکر (نسبت به همه افراد) مطرح است.

در قوانین مجازات ایران قبل از پیروزی انقلاب و خصوصاً بعد از اصلاحات سال ۱۳۵۲ بحثی از مجازات‌های اسلامی نیست و در عمل، کشتن شخص به‌عنوان مهدور الدم شرعی منتفی بود و جواز قتل زانی و زانیه در فراش، بر مبنای تحریک و برگرفته از حقوق عرفی بود.

ماده ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی که متخذاً ماده ۳۲۴ قانون جزای فرانسه بود، مورد اشکالات متعدد حقوقدانان قرار داشت و هنگامی که موضوع آن یعنی قتل در فراش در ماده ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ منعکس شد علاوه بر ایرادات حقوقی اشکالات فقهی و روانی نیز بر آن افزوده شد و در این میان نظر برخی فقها در مشروط ساختن حکم به احسان یا مخالفت با اصل حکم مورد توجه قرار گرفت. برخی در مقام اشکال بر محتوا و مبنای ماده به نکاتی همچون ضعف مبنای موجه حکم، ضعف مبنای فقهی و روایات موجود امکان سوء استفاده از حکم به طور کلی یا توسط زوج عدم امکان احراز تمکین زن و همچنین اثبات زنا عدم توجه به حق متقابل زن بی توجهی مقتن در سالهای ۱۳۶۱ و



۱۳۶۲ به این موضوع اشاره نموده اند و بر اساس این اشکالات مدعی شده اند که این ماده باید از قانون مجازات حذف گردد. در بررسی این اشکالات چند نکته وجود دارد که عبارتند از خلط مقام ثبوت و اثبات در حق شوهر و این که وی موظف به اثبات زنا ی همسرش با مرد اجنبی برای معافیت از مجازات است؛ عدم تحلیل دقیق نظرات فقهای مخالف حکم و صرفاً نقل نظرات آنها و اینکه نظرات موافقان و مخالفان قابل تردید جدی است؛ مبنا قرار دادن برخی اصول حقوق عرفی همچون تشابه حقوق زن و مرد و غفلت از عدم سنخیت و بلکه تعارض آنها با آموزه های وحیانی که این خود نیز ناشی از جامعه مرد سالار در زمان صدر اسلام بوده و محل ایراد است توجه به این نکته که فقها قانون را مبنا ندانسته و عقیده بر این است که قانون خود متخذ از مبانی شرعی است و لذا شمول یا عدم شمول آن نسبت به یک حکم در تقویت یا ضعف مبانی آن نقشی ندارد و... در مجموع به نظر می رسد مبنای فقهی و حقوقی حکم قتل در فراس مبنایی قابل دفاع و محکم نیست و اشکالات مطروح در مورد آن با تدقیق در مبانی حقوقی و فقهی محل ایراد می باشد.

ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۰۴ مقرر می داشت در این صورت شوهر اگر مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها با هر دو شود از مجازات معاف است.

ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر می داشت در این صورت شوهر می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را میتواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

لازم به ذکر است که در قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب علاوه بر اینکه قتل زوجه مباح دانسته شده بود بلکه به قتل خواهر و دختر نیز با مجازات بسیار خفیفی اجازه داده شده بود. اما پس از انقلاب اسلامی در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در مورد قتل در فراس تنها به قتل زوجه اشاره شده و بر خلاف ماده قانونی پیش از انقلاب از قتل خواهر و دختر سخنی به میان نیامده است. مبنای معافیت از مجازات در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و بندت ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علل موجهه جرم به معنی اذن و اجازه قانونگذار در ارتکاب قتل و ضرب و جرح نسبت به مرد اجنبی و همسر مرد میباشد؛ زیرا مقنن با بیان عبارت میتواند آنها را به قتل برساند مبادرت به صدور جواز قتل، ضرب و جرح همسر و مرد اجنبی برای شوهر نموده است. همچنین زنی اگر شوهر خود را در حال زنا با زن اجنبی ببیند حق کشتن او را ندارد. منظور از همسر در ماده زن زناکار است؛ بنابراین خواهر یا مادر با دختر را نمیتوان در حال زنا با مرد اجنبی به قتل رساند. یعنی اگر مرد اجنبی را در آن حالت با اقربای خویش غیر از همسر مشاهده نماید مجاز به قتل آنها نخواهد بود مگر آنکه دفاع و نهی از منکر مترتب بر قتل و جرح گردد و همچنین است اگر بیگانه ای را در غیر حالت زنا با همسر خویش ببیند که در صورت اقدام به قتل محکوم به قصاص است. با توجه به تعریفی که به عمل آمده است می توان نواقص ذیل را استخراج کرد.

اگر مرد همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی از طریق کلیپهای ویدیویی مشاهده کند، آیا باز هم مجاز به این قتل خواهد بود یا خیر؟ طبق اصول فقهی بالاخص قاعده قتل در فراس پاسخ منفی است. زیرا همانطور که میدانیم بعد از انجام دادن عمل زنا دیگر شوهرش حق ندارد آنان را به قتل برساند. از این رو قانون گذار باید قید مستقیم با چشمان غیر مسلح را در قانون قید میکرد تا با دیدن نوار ویدیویی جواز قتل را نداشته باشد.



در این ماده قید علم به تمکین داشتن یا مکره بودن زن به عمل زنا ذکر شده که با توجه به حالت آشفتگی روانی مرد در آن حال احراز این امر برای مرد بسیار دشوار است.

اگر مرد هر دو را به قتل برساند احراز این امر که آیا واقعا زن مکره بوده یا خیر برای بازپرس پرونده بسیار دشوار به نظر میرسد در حالیکه اگر زن مکره باشد شوهر عالم به این امر اصلا مجاز به قتل او نیست و در صورت کشتن او قصاص خواهد شد.

گاهی اوقات شاید مرد مکره به عمل زنا باشد که در این صورت شوهر می تواند هر دو را به قتل برساند، خواه زانی به این امر مکره بوده باشد یا نباشد که در این مورد قانون گذار جواز قتل یک انسان بی گناه را بدون هیچ دلیلی تجویز نموده است. این امر میتواند باعث از بین رفتن قبح خونریزی در میان افراد جامعه گردد.

در این ماده واژه همسر دارای شمول چندی از جمله زن در نکاح موقت و یا زنی که در حال سپری شدن ایام عده میباشد. زنی که در حال سپری شدن ایام عده است بعد از گذشت مدت مذکور، مرد به طور کامل از او جدا میشود و دیگر مرد نیازی برای به قتل رساندن چنین فردی را ندارد و کافی است مدتی صبر کند که او را برای همیشه از خود دور کند. چند شمولی واژه همسر خود به خود باعث افزایش جرم زایی به خصوص قتل میشود لذا بهتر بود قانونگذار به جای استفاده از این واژه همسر) شمول قتل را فقط محدود به زنی میکرد که در نکاح دائم است و در حال سپری شدن ایام عده نمی باشد.

مرد و شوهر دارای شمول گسترده است خواه این مرد مسلمان باشد یا مسیحی و..... از آن جایی که اقلیت های مذهبی به حکومت اسلامی جزیه (مالیات) می پردازند حکومت اسلامی در قبال این اقلیت ها وظیفه دارد از مال جان ناموس آنها محافظت کند. با توجه به این توضیح میتوان گفت که فرد مسیحی هم چون سایر مسلمانان جواز برای قتل در فراش را دارا میباشد. نکته دیگر این که حالت روحی و آشفتگی روانی مرد در هنگام مشاهده ی آن عمل شنیع مورد توجه است نه دین و یا ایمان و مذهب و عقاید فردی او. امر زنا دارای شرایطی خاصی است که عامه مردم از شرایط احراز آن مطلع نیستند و این امر می تواند باعث افزایش قتل های ناموسی گردد. اگر اشتباهی رخ دهد حتی مرد شوهر) میتواند به قصاص محکوم شود. اما قانون گذار برای جلوگیری از قصاص مرد در چنین حالتی در تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این قتل را به منزله خطای شبه عمد دانسته است که باعث فرار متهم از قصاص میگردد. چه بسا ممکن است شوهر شرایط درستی زنا را بداند. اما با اطلاع از این امر باز هم اقدام به قتل نماید و تبرئه شود. این امر هم میتواند باعث از بین رفتن قبح خونریزی در بین جامعه (جرم زایی) گردد.



منابع فارسی

۱. جزیری، عبدالرحمن، (۱۴۱۹)، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب أهل البيت وفقا لمذهب أهل البيت، بیروت، انتشارات دارالثقلین.
۲. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (بی تا)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳. حائری شاهباغ، علی. (۱۳۵۳ش). شرح قانون مجازات عمومی. مؤسسه مطبوعاتی آرش: فومن.
۴. حبیب زاده م ج، بابایی ح. ۱۳۷۸. قتل در فراش. پژوهش های حقوق تطبیقی، ۵: ۹۵؛ ۸۱.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص: ۷۹، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق.
۶. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸۷)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
۷. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، انتشارات مرتضوی، قم - ایران اول ۱۴۲۵ هـ ق.
۸. خمینی ر. ۱۴۰۳. تحریر الوسیله. جلد اول، چاپ چهارم، قم: انتشارات مکتب اعتماد، ۲۵۱ صفحه.
۹. خمینی ر، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، ۱۰۱۸.
۱۰. خمینی سید روح الله موسوی - مترجم اسلامی، علی، تحریر الوسیله - ترجمه، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران ۲۱، ۱۴۲۵ هـ ق.
۱۱. خمینی سید روح الله موسوی، پیشین، ج ۴، ص: ۱۷۹.
۱۲. خمینی (امام)، سید روح الله. (۱۴۰۳ق). تحریر الوسیله. ج ۱ و ۲. ج ۴. مکتبه اعتماد: قم.
۱۳. خمینی، سید روح الله موسوی، (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۴. خوبی، سید ابو القاسم موسوی مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۱ موسوعه، ص: ۲۴۸، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخونی ره، قم، ایران، اول، ۱۴۲۲ هـ ق.
۱۵. خوبی، سید ابو القاسم موسوی تکملة المنهاج در یک جلد نشر مدینه العلم، قم - ایران ۲۸، ۱۴۱۰ هـ ق.
۱۶. خوبی، ابوالقاسم. (بی تا). مبانی تکمله المنهاج. چاپ دوم. مطبعه الآداب: نجف.
۱۷. خوبی، سید ابو القاسم موسوی مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۱، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخونی ره قم - ایران اول، ۱۴۲۲ هـ ق.
۱۸. خوبی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۱۸)، موسوعه الإمام الخونی، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخونی.
۱۹. زکی ابوعامر، محمد، (بی تا). القانون الجنائی، الدار الجامعیه: قاهره.
۲۰. شهید ثانی، ۱۳۸۸، متون فقه، تهران، پردازش، ۵۲۴.
۲۱. شهید ثانی زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۴، ص: ۳۳۴ و ص: ۳۲۹.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة المحش فی. کلاتر، ج ۹، کتابفروشی داوری قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ ق.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۴، ص: ۳۳۴، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ ق. " و لا یقدح وقوعها فی حالة محرمة بالعرض کالحیض و الإحرام".
۲۴. شهید ثانی، زین الدین. (بی تا). الروضة البهیة. ج ۹. داراحیاء التراث العربی: بیروت.
۲۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحش ای - کلاتر)، ج ۹، ص: ۷۳ کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ ق.
۲۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص: ۳۴۵.
۲۷. طباطبایی حائری سید علی بن محمد ریاض المسائل (ط - الحدیث)، ج ۱۵، ص: ۴۳۸، مؤسسه آل البيت علیهم السلام،



- قم ایران، اول، ۱۴۱۸ ه. ق.
۲۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، سوم.
۲۹. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللمعه دمشقیه فی فقه الإمامیه، بیروت، دارالترتات الإسلامیه.
۳۰. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۳۱. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضه البهیة فی شرح المعه دمشقیه، قم، کتابفروشی داوری.
۳۲. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۳۳. عوده ع. ۱۳۷۲. حقوق جزای اسلام ترجمه التشریح الجنائی الاسلامی. ترجمه ن قربان نیا، س رهایی، ح جعفری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه شهید بهشتی)، ۲۵۸ صفحه.
۳۴. عوده، عبدالقادر. (۱۹۹۳م). التشریح الجنایی الاسلامی، جلد اول، چاپ دوازدهم. انتشارات مؤسسه رسالت: بیروت.
۳۵. کرمی، محمد باقر، (۱۳۷۷ش). مجموعه استفتائات فقهی و نظرات حقوقی راجع به قتل. انتشارات فردوسی: تهران.
۳۶. کلانتری، کیومرث. (۱۳۹۵ش). تقریرات حقوق جزای اختصاصی (۱). مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.
۳۷. گلدوزیان، ۱۳۳۶، حقوق جزای اختصاصی، تهران واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۷۱۹
۳۸. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳ش). محش ای قانون مجازات اسلامی. انشارات مجد: تهران.
۳۹. میر محمد صادقی، دکتر حسین. (۱۳۹۲ش). حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، جلد اول. چاپ سیزدهم. انتشارات میزان: تهران.
۴۰. نجفی م ح. ۱۴۰۴. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. چاپ هفتم، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۲۴۱ صفحه.
۴۱. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالاحیاء التراث العربی: بیروت.
۴۲. نجفی، محمد حسن، (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، هفتم. نوری، محدث، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۱، دار احیاء التراث العربی بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه. ق.
۴۴. نجیب حسنی، محمود. (۱۹۹۲ق). شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)، چاپ دوم. دارالنهضة العربی: قاهره.
۴۵. هندی اصفهانی، فاضل محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج ۱۰، ص: ۴۵۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قم ایران، اول، ۱۴۱۶ ه. ق.